آینده افغانستان از منشور منافع همسایگان

دیاکو حسینی*

عقب‌نشینی آمریکا از افغانستان و متعاقب آن سقوط کابل به دست طالبان، گمانه‌زنی‌هایی را درباره آینده امنیت در منطقه جنوب آسیا به میان آورده است. دهه‌هاست طالبان به‌منزله مظهر بنیادگرایی اسلامی، موجب نگرانی کشورهایی شده که از نفوذ رادیکالیسم اسلامی به درون سرزمین‌ها یا حتی مناطق حیاتی مجاور خود نگران بوده‌اند. سرنگونی طالبان در سال ۲۰۰۱ به‌دست نیروهای ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده تا اندازه این خطر را کاست که جنبش طالبان با تکیه بر نیروها و امکانات حکومتی از گروه‌های تروریستی یا جنبش‌های اسلامی افراطی در دیگر مناطق و کشورها حمایت کند؛ اما هم‌زمان از آنجایی که این جنگ، افغانستان را به آهن‌ربای افراد و گروه‌های اسلام‌گرا به قصد مقابله با اشغالگری و به یک کشور درمانده و جنگ‌زده تبدیل کرد، نگرانی دیگری را درباره جذب و آموزش گروه‌های اسلام‌گرای جدید به وجود آورد. امروز با بیرون‌رفتن آمریکا و پیروزی خیره‌کننده طالبان، این واهمه قوت گرفته که این گروه با اعتمادبه‌نفس بالاتری درصدد بهره‌برداری از دارایی‌ها و امکانات دولتی برای حمایت و پناه‌دادن به گروه‌های اسلام‌گرای فعال در خارج از افغانستان برآید.

پاکستان با وجود آنکه مخفیانه از مهم‌ترین حامیان طالبان بوده، همچنان از تأثیر الهام‌بخش و حتی لجستیکی پیروزی طالبان در افغانستان بر طالبان پاکستان و شبکه حقانی نگران است. به‌علاوه، بازخیزی ناسیونالیسم پشتون، ممکن است جراحت مرزی پاکستان با افغانستان را با زیرسؤال‌بردن مرز دیورند تجدید کند. هند از اینکه می‌بیند بعد از گذشت ۲۰ سال طالبان بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان را شکست داده و می‌تواند در همکاری با پاکستان یا به‌طور مستقل، الگویی برای مقاومت ملی‌گرایانه و اسلام‌خواهانه در سایر نقاط ازجمله در کشمیر و حتی گروه‌های اسلام‌گرای فعال درون هند در نظر گرفته شود، باید به خود لرزیده باشد. این احتمال قوی‌تر است که خروج آمریکا از افغانستان، فضای تنفسی بیشتری برای روسیه و چین باز کند؛ فضای گشوده‌ای که به وضوح قادر است موازنه قوا را نه‌تنها در جنوب آسیا، بلکه در حیطه وسیع‌تری از اوراسیا به زیان هند دگرگون کند.

شاید در نگاه اول چین از خروج خفت‌آمیز آمریکا از افغانستان خرسند به نظر برسد. چین با اشاره به سرنوشت افغانستان، از آن برای هشداردادن به رهبران تایوان نسبت‌به تکیه‌ناپذیربودن آمریکا با خوشحالی استفاده کرده و از اینکه هند، بزرگ‌ترین رقیب آسیایی آن، به دردسر افتاده راضی است؛ اما به‌طرز مشابهی چین نیز به تأثیرات قدرت‌گیری دوباره طالبان بر جنبش‌های اسلامی در سین‌کیانگ می‌اندیشد. البته در مقایسه با قبل از سال ۲۰۰۱ نگرانی پکن به‌مراتب کمتر است. برخلاف آن سال‌ها، امروز چین قدرت اقتصادی و نظامی بالاتری دارد که توان چشمگیری برای کنترل مرزها به آن بخشیده است.

به‌علاوه بعد از شورش سال ۲۰۰۹ در شهر اورومچی ایالات سین‌کیانگ و درپیش‌گرفتن «استراتژی بزرگ توسعه غربی» بعد از ۲۰۱۳، به‌ویژه با دو هدف ثبات اجتماعی و صلح بلندمدت، سرمایه‌گذاری پکن در این ایالت و در نتیجه آن بهبود استانداردهای زندگی چشمگیر بوده است. چین بیش از گذشته به این موضوع واقف است که امنیت سین‌کیانگ نه‌تنها در ارائه تصویر جهانی از چین، بلکه برای ثبات سراسر کشور اهمیت دارد. ثبات این استان به‌عنوان دروازه چین به سوی غرب، نقشی کلیدی در موفقیت پروژه «جاده و راه» ایفا می‌کند. همین نکته از دیدگاه چین دو نگرانی دیگر را هم اضافه می‌کند؛ نخست تأثیر بی‌ثبات‌کننده تسلط طالبان بر امنیت مهم‌ترین متحد پکن در آسیای جنوبی یعنی پاکستان و دوم سرایت ناآرامی‌های افغانستان به آسیای مرکزی از راه تاجیکستان و ازبکستان که می‌تواند بالقوه چشم‌انداز توسعه رو به غرب چین و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در این منطقه را به خطر انداخته و از همه بدتر اینکه به احساسات ضدچینی که هم‌اکنون نیز در این منطقه در حال غلیان است، شدت ببخشد.

حزب کمونیست چین با درس‌گرفتن از تاریخ، به‌خوبی می‌داند درصورتی‌که طالبان به تهدیدی علیه منافع حیاتی چین تبدیل شود، استفاده از نیروی نظامی برای مقابله با آن به همان اندازه می‌تواند بی‌فایده، فلج‌کننده و تحریک‌آمیز باشد که برای ارتش‌های ناتو در ۲۰ سال گذشته بوده است. شاید به همین دلیل پکن به‌شکل عمل‌گرایانه و شتاب‌زده‌تر از هر کشور دیگری، آمادگی و اشتیاق خود را برای تعامل دیپلماتیک با طالبان ابراز کرده و امیدوار است از نفوذ کافی برای هدایت افغانستان تحت رهبری طالبان به سوی رفتارهایی منطبق با خواست چین بهره‌مند باشد.

ادامه در صفحه ۷

سرزمین من

مژده وحیدی. قندهار: هنگامی که این ورق خوانده شود قریب به یک هفته از استیلای طالبان بر تختگاه کابل به‌سر آمده است، حال آنکه کس نمی‌داند افغانستان و مردم آن پگاهی دیگر در گرد کدام ستاره سیر می‌کنند. از برای راقم این سطور که در گوشه‌ای از خاک این میهن به‌نظاره نشسته است، مشهود نیست طالع چه پیش آرد اما افق آنگونه که بسیاری را به شعف و شور یا حزن و ملالت دلالت می‌کند، روشن نشده است. بَرکشیدن دوباره طالبان با اَنبانی از تجارب مبارزه و جهاد، بی‌پناهی و اسارت و نیز تلاش و تکاپو برای بازگشت به قدرت هنوز عیان نساخته که طالبانِ حاضر با گذشته‌اش چه رابطه‌ای را ساخته و چه تحولی را در بطن خود داشته است.

وقتی در سال ۱۹۹۶ طالبان به کابل درآمد احساسی قریب به این وضعیت برخاسته بود. مردمان خسته از زدوخوردهای تنظیم‌های جهادی چندگانه و حصارکشی محلات کابل که خود را در پس پیروزی بر اشغالگران کمونیست اسیر کشاکش‌های تازه‌ای می‌دیدند، طالب جوان را به‌سان نیرویی مستقل برای اعاده امنیت و آرامش یافتند. اما همان زمان که گپ‌وگفت‌های سیاسی برقرار شد، طالبان آن روز از توافق و تفاهم روی برتافتند و به اتکای سلاح امارت را ساختند. آن روزها هر میزان طالب از جامعه دور شد بر قدرت اثرگذار عناصر خارجی که سرزمین ما را ارض جهاد ساخته بودند، افزوده گشت. رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ انگشت اتهام ...

بیش از هرکسی، خواهران و برادران در افغانستان خوب فهم می‌کنند که سرنوشت آنان را آیه شریفه مذکور تبیین می‌کند. این تحولات به‌روشنی نشان می‌دهد کسی جز مردم افغانستان نمی‌تواند سرنوشت این کشور را به ...

و درست این است که آیا طالب‌ها همان طالب‌های ۲۰ سال قبل هستند؟ نکته مهم این است که بسیار مسلم است که برای توضیح یک تحول مهم نمی‌توان صرفا روی یک عامل تمرکز کرد، اما این نکته نیز وجود دارد که به ...

خاستگاه نظری

ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

افغانستان: روز بعد

مصطفی ترک‌زهرانی . استاد روابط بین‌الملل

... که افرادی مثل خانم رایس و رامزفلد داشتند، عنوانش «تخریب سازنده» بود؛ یعنی نیروهای آمریکا وضع موجود را برهم می‌زنند اما مسئولیتی برای سازندگی ندارند. به عبارتی جنگ‌طلبان در دولت بوش طرفداران نظامی‌گری از نوع جکسون بودند و نه سازندگانی از مکتب ویلسون. بنابراین، چیزی به ...

بایدن اواسط ماه آوریل تصمیم خود را گرفت. این در حالی بود که بر اساس توافق با طالبان نیروهای آمریکای باید ۳۱ ماه آگوست خارج می‌شدند. این فاصله برای آماده‌سازی نیروهای افغانی بسیار کم بود. اعلان موضع بایدن در حالی بود که هیچ فکری برای بعد از خروج نشده بود. مشخص نبود که ...

... دادند. این تقلیل نیرو تا به این حد نشان از آن بود که برخلاف ادعاها، آمریکا اراده جنگ با طالبان را ندارد. آنچه بود حملات هوایی علیه این گروه بود که خود به لحاظ روانی عامل خیلی مهمی بود. نکته مهم این بود که جو ...

... سؤال دقیق‌تر این است که چرا آنها این همه دیر دست به چنین اقدامی زدند. دراین‌باره گفته می‌شود: شاید درسی که آمریکا از افغانستان گرفته، این باشد که با زور سلاح نمی‌توان جوامع را اصلاح کرد یا به گفته چرچیل «می‌توان ...

سقوط افغانستان در ۲۰۲۱ در مجاورت ایران ۱۴۰۰

درس‌هایی برای سال‌های بعد ایران

احمد بخارایی . جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

... اتکا بر نیروهای بیرونی شامل انگلستان و شوروی و آمریکا

... خروج نیروهای نظامی دولت‌های خارجی در مراحل گوناگون تاریخی از افغانستان به‌عنوان زمینه نفوذ مجاهدان و طالبان و اسلام‌گرایان سنتی

... نزاع تاریخی پاکستان و هند و تأثیر آن بر رخدادها در افغانستان و نیز حمایت آشکار هند از ...

حرمت عملیات انتحاری طالبان که مرتب افغانستان را ناامن و ملتهب می‌کرد، سکوت کردند. در ... طالبان سنی‌مذهب و حنفی‌مسلک با عرب‌های عربستانی وهابی‌مسلک پیوند خوردند تا اصل اسلام ... آسیب نبیند و بهره‌برداری‌های سیاسی و اقتصادی نیز با استفاده از باورهای متعصبانه دینی توده تحت ... اینکه این پیوندها چه انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی دارد، بحث دیگری است، اما همین‌قدر کافی ...